



بررسی گزارش ادعایی از گفت‌وگوی رهبران روحانی مشروطیت
در باره تشکیل حکومت اسلامی؟
محمدحسین ملک‌زاده

یک انتساب ناموجه

مدتی است متنی حاوی گزارش گفت‌وگوی آخوندخراسانی با میرزای نائینی، به‌عنوان دو تن از شاخص‌ترین رهبران، سران و سردمداران نهضت ناتمام مشروطیت منتشر شده است که براساس آنچه در این گزارش آمده است، جناب آخوند با ذکر دلایل متعدد مخالفت خود را با تشکیل حکومت اسلامی ابراز می‌کند. در نوشتار پیش رویتان، به بررسی علمی صحت این گزارش و امکان استناد به آن در چارچوب قواعد فنی و اجتهادی می‌پردازیم. اما آنچه پیش از آغاز این بررسی باید مورد تاکید قرار گیرد، این است که در این نوشتار، سخن از حسن و قبح فعلی است و نه فاعلی؛ به این معنا که به هیچ‌روی در پی اثبات صادق یا کاذب بودن راوی این گفت‌وگو (گفت‌وگوی آخوند خراسانی و میرزای نائینی) و تعریف و تمجید از شخص راوی یا تقیب و نکوهش وی نیستیم بلکه تنها می‌خواهیم ببینیم آیا براساس معیارهای علمی و عقلایی چنین گزارشی با این شکل و کیفیت نقل و دلالت متن و محتوا قابل قبول و استناد هست یا خیر؟



متن بررسی و نقل

حقیقت آن است هنگامی که اینجانب متن گزارش ادعایی از گفت‌وگوی آیت‌... آخوند ملامحمدکاظم خراسانی و آیت‌... میرزامحمدحسین نائینی، هر دو از علما و فقهای بزرگ شیعه در نجف‌اشرف درباره تشکیل حکومت اسلامی آن‌هم در بحبوحه نهضت ناتمام مشروطیت خواندم، پرسش‌ها و اشکال‌های فراوانی درباره آن به ذهنم هجوم آورد و نقاط ابهام زیادی در آن و درباره آن برایم مطرح شد که پاره‌ای از آنها را در اینجا متذکر می‌شوم و گمان می‌کنم که با وجود چنین ایرادها و ابهام‌هایی، هرگونه احتمال عقلایی برای اعتماد و استناد به چنین گزارشی منتفی باشد.

اما سوالات، اشکالات و نکاتی چند درباره این نقل و گزارش ادعایی که تنها به‌عنوان نمونه از نظر می‌گذرانیم:

۱. چگونه است که چنین دیدگاه مهمی را جناب آخوند مکتوب و منتشر نکرده یا چه شده است که این مطلب در میان علما، فضلا، طلاب و در مجموع در فضای حوزه یا به اصطلاح در اوساط حوزویه شیوع و شهرتی - گذشته از «شهرت گسترده» - نیافته است؛ درحالی که «شخص آخوند خراسانی»، «مساله و موضوع مورد اشاره» و هم آن «مقطع تاریخی» از خصوصیات منحصر به فردی برخوردارند

پاره‌ای از اشکالات عرضه‌شده در متن این گفت‌وگو، جنبه کلیت و عمومیت دارند و شامل هرگونه حکومت دینی حتی حکومت نبوی و علوی هم می‌شوند و طبیعتاً ناممکن است فقیهی مثل آخوند خراسانی، حکومت پیامبر (ص) و امیرالمومنین (ع) را هم زیر سوال ببرد و اقدام آنان را در تشکیل حکومت و حکومت‌داری نادرست بشمرد

اتسک ارتباطی با سیاست و مشروطیت داشتند، به‌سرعیت و با حرص و ولع، نقل و شایع می‌شدند تا چهره‌سرد به مطالبی حاکی از دیدگاه سیاسی یکی از بزرگ‌ترین رهبران و مراجع تقلید شیعه در آن زمان، استاد بزرگ حوزه‌های علمیه و شخصیت تراز اول علمای نجف، یعنی آخوند خراسانی.

۲. پاره‌ای از اشکالات عرضه‌شده در متن این گفت‌وگو، جنبه کلیت و عمومیت دارند و شامل هرگونه حکومت دینی حتی حکومت نبوی و علوی هم می‌شوند و طبیعتاً ناممکن است فقیهی مثل آخوند خراسانی، حکومت پیامبر (ص) و امیرالمومنین (ع) را هم زیر سوال ببرد و اقدام آنان را در تشکیل حکومت و حکومت‌داری نادرست بشمرد.

واضح است که این امر به‌هیچ‌روی با باورهای دینی و مبانی کلامی از جمله اصل عصمت، مصونیت و دوری چهارده‌معصوم (ع) از هر نوع خطا، لغزش و گناهی - که مورد اعتقاد آخوند خراسانی بوده است - سازگاری ندارد.

۳. شماری از اشکالات، بسیار سطحی و ضعیف هستند که همانند هر اشکال خام و بدوی دیگری با اتسک تأملی زائل می‌شوند؛ یعنی اندکی تأمل و تفکر نه‌تنها موجب می‌شود این اشکالات حل شوند، بلکه سبب می‌شود که آنها متحل شوند؛ و از ریشه و اساس محو شوند.

بر این اساس طرح اشکالاتی در این سطح شاید برای اشخاصی در حد راوی ادعایی این گفت‌وگو بسیار جالب و حتی هیجان‌انگیز به‌نظر رسد ولی علما و فضلاء حوزوی و آشنایان با جایگاه علمی آخوند به‌روشنی می‌دانند که طرح برخی از این اشکالات

که ممکن نیست چنین دیدگاهی وجود داشته ولی از همگان پنهان مانده باشد و به‌ناگاه پس از گذشت بیش از یک قرن تنها به‌وسیله یک نفر گزارش شود؛ گزارشی که نشان می‌دهد این مطالب را آخوند در حضور جمعی از افراد و چه‌بسا در چند جلسه بیان کرده است. توضیح آنکه:

اولاً، شخص آخوند خراسانی یکی از مهم‌ترین و معروف‌ترین شخصیت‌ها در حوزه‌های علمیه شیعه طی حدود یک و نیم قرن اخیر به‌شمار می‌رود؛ شخصیتی که هر رای و نظرش و حتی بسیاری از تعابیر و سخنان معمولی‌اش با علاقه و اهتمام فراوان به‌وسیله شاگردان وی و بعد از آن هم، نسل به‌نسل به‌وسیله سایر حوزویان حفظ‌شده و سینه‌به‌سینه نقل شده و نشر یافته است.

ثانیاً، مسئله به‌شدت مورد ابتلای «ورود یا عدم ورود علما به عرصه سیاست و حکومت» آنقدر برای علما، حوزویان و حوزه‌های علمیه پراهمیت و سرنوشت‌ساز بوده است که اگر آخوند خراسانی در این زمینه نظر خاص و مشخصه مخالفی داشت و اگر درباره آن رساله‌ای مستقل تالیف نمی‌کرد، دست‌کم آن را برای بسیاری از شاگردان و اطرافیان‌ش بازگو می‌کرد و طبیعتاً از طریق آنان به‌اطلاع همگان می‌رسید.

ثالثاً، مطالعه اسناد، آثار و کتب تاریخی مربوط به نهضت ناتمام مشروطیت و خاطره‌های علما و روحانیون آن عصر به‌روشنی نشان می‌دهد که در آن مقطع تاریخی شرایط به‌گونه‌ای بود که رایج‌ترین امر در تمامی محافل و مجالس به‌خصوص در حوزه علمیه نجف بحث و گفت‌وگو بر سر مسائل سیاسی و به‌طور خاص مشروطیت بود و حتی کوچک‌ترین و پیش‌بافتاده‌ترین مطالب یا اخباری که